

## آسیب‌شناسی کیفیت به‌کارگیری تاریخ در تفاسیر قرآن

حسین شجاعی\*

عباس مصلائی‌پور\*\*

### چکیده

بخش وسیعی از گزاره‌های موجود در تفاسیر، مرتبط با حوزه تاریخ است. اما ناظر به اینکه مفسران قرآن، خود را مورخ نمی‌پندارند، معمولاً در نقل وقایع تاریخی سبکی واحد را اتخاذ می‌کنند. این سبک که از سنت علمی تفسیر نگاری پیشینیان الگوگیری شده است، موجب گشته که نمود مسائل تاریخی در تفاسیر - حتی در دوران حاضر - به شکل تکرار پیوسته و یکنواخت روایات تاریخی باشد. زمانی که این نگرش سنتی به تاریخ با رویکردهای امروزی علم تاریخ مقایسه می‌گردد به‌سادگی عقب‌ماندن تفسیر در این حوزه خاص که توأم با برخی از آسیب‌هاست نتیجه گرفته می‌شود. در این مقاله با نگاهی انتقادی به نگرش تاریخی مفسران، به دنبال بیان آسیب‌های موجود در این نگاه و همچنین ایجاد حس نیاز به شکل‌گیری تحولاتی اساسی در نحوه به‌کارگیری تاریخ در تفاسیر قرآن هستیم.

### واژگان کلیدی

علم تاریخ، تفسیر، مطالعات قرآنی، ظرفیت تاریخ، تاریخ روایی.

### طرح مسئله

بحث از روش و رویکردهای نوین قرآنی، محرکی برای یافتن گستره‌هایی نو می‌باشد که

\*. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام.

shojaehosein30@gmail.com

amusallai@isu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۱۱

\*\* دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام.

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۶

به واسطه آن توان پی بردن به عمق آیات قرآن امکان پذیر خواهد بود. در این میان علم تاریخ به سبب توانمندی در تبیین بسیاری از موضوعات مرتبط با قرآن، همواره مورد توجه علمای اسلامی بوده<sup>۱</sup> است، لکن به رغم این توجهات، حوزه کاربری تاریخ در تفاسیر قرآن همسو با پیشرفت‌های این علم حرکت نکرده است؛ از این رو در مواجهه مخاطب امروز با تفاسیر، شاهد نوعی سردرگمی هستیم؛ زیرا مخاطب، انتظار اینکه هنوز در نقل برخی از وقایع تاریخی با اقوال متفاوت و بعضاً متناقض روبه‌رو شود را نداشته، بی‌پیرایه به دنبال یافتن زمان و مکان دقیق حوادث و معرفی کامل و واضح اقوام و اشخاص نامبرده شده در قرآن است. دلیل چنین نقصانی را در فقدان نگاهی روزآمد به علم تاریخ و همچنین نبود اطمینان کافی در استفاده از روش‌های جدید این علم در تفسیر باید جست. بیش، نگرش و روش‌های علم تاریخ نوین می‌تواند شرایطی جدید در نوع نگاه به آیات قرآن و داستان‌های آن به وجود آورد تا فارغ از قیل و قال‌های روایات اسرائیلی به تفسیری واضح از آیات قرآن دست‌یافت.

اصراری که در تصحیح نوع نگاه مفسران به تاریخ وجود دارد، به سبب ارتباط وثیق این دو با یکدیگر می‌باشد؛ زیرا اولاً از منظر بسیاری از محققان، قرآن کریم به‌عنوان منبعی تاریخی محسوب می‌شود که در بستری تاریخی تولید شده است؛ ثانیاً برخی از قضایای نقل شده در قرآن همچون قصص و اخباری که از وقایع و اطلاعات گذشته‌نگار داده شده، از ساحتی تاریخی برخوردار بوده و کنجکاوای بشر برای تفصیل زوایای این داستان‌ها - اضافه بر آنچه در قرآن نقل شده است - موجب ایجاد گرایش‌های تاریخی در میان مسلمانان گردیده است. نیاز به تاریخ در تفسیر قرآن تا حدی است که بدون اطلاع از آن، فهم و تفسیر بسیاری از آیات ناممکن می‌گردد و یا اینکه حداقل مفاد آنها در حاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند. همچنین تاریخ، نقش مهمی در حل تناقض ظاهری آیات، تعیین مصداق آیات، دفع توهم حصر، اعتباربخشی به سیاق آیات، شناخت آیات مکی و مدنی، ترتیب نزول، شناخت احکام ثابت و متغییر و ناسخ و منسوخ دارد؛<sup>۲</sup> اما به‌هر حال حاوی برخی آسیب‌ها نیز می‌باشد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. اهتمام بیش‌از‌حد علما به انتقال صحیح اعتقادات و حجت احکام و عدم تعرض به مسائل

سیاسی و اجتماعی؛

۲. خلط تاریخ با روایت، خبر و اعتقادات؛

۱. امینی، *الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب*، ج ۱، ص ۲۵ - ۲۶.

۲. گلاب بخش و همکاران، «نقش تاریخ صدر اسلام در تفسیر قرآن کریم»، *مجله آموزه های قرآنی*، ش ۱، ص ۱۶۱.

۳. خودداری از ذکر مکان و زمان مقارن حوادث تاریخی؛

۴. پرداخت نامناسب و بی‌توجهی به اهم و مهم نمودن مسائل تاریخی در نوع پرداختن به آنها؛

۵. نا پیراستگی اسناد و روایات از حیث صحیح و سقیم بودن؛

۶. نقل محوری و عنایت فراوان به حفظ احادیث حتی در صورت متعارض بودن آنها. وجود چنین آسیب‌هایی حاکی از نیاز مبرم به بازنگری در روند به‌کارگیری تاریخ در فضای علوم اسلامی است؛ زیرا برخلاف روند موجود، تاریخ، زمانی کارکرد اصلی خویش را می‌یابد که علاوه بر ابتناء بر حقایق، بازیچه اغراض گوناگون و تمایلات دسته‌ای مخصوص قرار نگیرد.<sup>۲</sup> امروزه هرچند آثار مناسبی در زمینه ابعاد تاریخی آیات قرآن نوشته شده است،<sup>۳</sup> اما هنوز نگاشته‌ای که با نگاهی تاریخی و از منظر فلسفه علم به مفاهیم بنیادین و تفاوت رویکردهای تلقی مفسران از تاریخ باشد به رشته تحریر درنیامده است. با توجه به این امر، مقاله پیش رو به دنبال بررسی اشکالات رویکرد تاریخی موجود در مطالعات قرآنی است و بدین نحو با نگاهی بیرونی به تاریخ کلاسیک<sup>۴</sup> به دنبال معرفی نواقص روشی، بینشی و نگرشی آن است. در نقد صورت گرفته، تاریخ نوین به‌عنوان معیار و سنگ محکی برای ارائه اشکال به تاریخ کلاسیک انتخاب گردیده است و تنها به آن مواردی از اشکالات پرداخته شده است که با امعان نظر در آنها می‌توان الگویی مناسب و کارآمد در عرصه تفسیر تاریخی قرآن دست‌یافت. با این‌همه نباید دور از نظر داشت که استفاده از رویکردها و روش‌های نوین علم تاریخ به معنای بی‌نیازی و دوری از تاریخ گروهی کلاسیک نیست و آنچه در این مقاله قرار است اثبات شود صرفاً بررسی ناتمام بودن تاریخ کلاسیک در بعد مطالعات قرآنی است.

### بررسی آسیب‌ها

هرچند در تعریف لغوی تاریخ تحول‌چندانی حاصل نشده است و همواره علم به گذشته در تعریف آن ذکر می‌شود،<sup>۵</sup> اما اساساً آنچه امروز به نام علم تاریخ خوانده می‌شود، دربردارنده تغییرات

۱. آئینه‌وند، علم تاریخ در اسلام، ص ۲۱.

۲. امینی، الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب، ج ۱، ص ۲۵ - ۲۱.

۳. برای نمونه می‌توان به اطلس‌های قرآنی، اعلام تاریخی و جغرافیایی، بررسی ابعاد باستان‌شناسی داستان‌های قرآن اشاره نمود.

۴. منظور از واژه کلاسیک در کل مقاله، اشاره به نگاه سنتی مفسران به علم تاریخ است.

۵. برای نمونه نک: ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۳، ص ۴؛ طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۲، ص ۴۲۹.

فراوانی در حوزه روش‌ها و رویکردهای خود نسبت به معنای دیرین تاریخ می‌باشد. از این‌رو اگر تاریخ را ناظر به تطوراتی که پشت سر نهاده است به دو بخش کلاسیک و مدرن تقسیم نماییم، به‌خوبی می‌توان دریافت که تفاسیر قرآن، نگاه کلاسیک به این علم را پیش رو قرار داده‌اند. هرچند این نگاه با توجه به نیازها و امکانات عصر خویش پدید آمده است، مخاطب امروز چنین نگاهی را به تاریخ بر نمی‌تابد و این ناشی از تغییر سطح توقعات و انتظارات از تاریخ می‌باشد. نگاهی گذرا به تحولات علم تاریخ و مشاهده تغییرات به وجود آمده در برخی از رئوس ثمانیه این علم از قبیل تغییر در موضوع، غایت، فایده و انتظارات، حاکی از همراهی تاریخ با نیازهای زمان خویش است؛ این امر در حالی است که تفاسیر قرآن همراهی چندانی با پیشرفت‌های موجود در علم تاریخ را نداشته است. به همین دلیل پیش از پرداختن به اصل آسیب‌ها، با نگاهی گذرا به روندی که این علم مخصوصاً از قرن هجدهم تا بیستم طی نموده است، می‌بایست گزارشی را ارائه نمود که در آن فرایندی که برای رفع گسست تفاسیر قرآن با تاریخ باید طی کرد، تقریباً مشخص شود.

قرن هجده معمولاً در تاریخ علوم انسانی به‌عنوان قرن سیادت تاریخ و نگاه تاریخی بر همه علوم معرفی می‌گردد؛ زیرا در تلقی دانشمندان این دوره، تاریخ به‌عنوان علمی است که پاسخگوی بسیاری از سؤالات و ابهامات مطرح‌شده می‌باشد. این نوع نگاه، کارکرد تاریخ را به حوزه‌هایی چون دین‌شناسی، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز کشاند که قبل از آن بی‌سابقه بود. دلیل اقبال چنین نگاهی را در آن می‌توان دید که در غرب مقارن با این ایام، علوم انسانی از ایستا نگاه کردن به پدیده‌ها سرباز زد و بررسی پدیده‌ها را بر اساس تحولاتی که طی کرده‌اند قابل قبول دانست. بنابراین فضای حاکم در این دوران به سمت این گرایش رفت که همه‌چیز را تاریخی ببینند؛ از این‌رو تاریخ نزد دانشمندان علوم انسانی از اهمیت بسزایی برخوردار شد. خرد قرن هجدهم از نگرش تاریخی به منظور نقد و پالایش علوم از خرافه استفاده کرد<sup>۱</sup> به همین خاطر، پیراستگی از پیش‌داوری‌ها مهم‌ترین چیزی بود که مدنظر قرار گرفت. هرچند که در این دوره علم تاریخ، نقشی اساسی در جهت‌گیری‌های علمی ایفا نمود، از سوی دیگر برخی جریان‌ها همچون رواج شکاکیت‌گرایی، این علم را با چالش‌هایی عمیق روبه‌رو ساخت.

موج شکاکیت‌گرایی این دوره با تبیین اتکای تاریخ بر گزارش‌های مکتوب تاریخی<sup>۲</sup> اصل باور

۱. وصفی، نو معتزلیان، ص ۱۰۵.

۲. پاکتچی، مقدمت، ص ۴۷.

به دعاوی تاریخی را زیر سؤال برد؛ زیرا به دلیل بُعد زمان، امکان دستیابی به صدق و کذب عینی گزارش‌ها وجود نداشت و این مسئله آسیبی بزرگ برای تاریخ محسوب می‌گشت. این روند ادامه پیدا کرد تا اینکه در قرن نوزده با روی کار آمدن پوزیتیویسم‌ها<sup>۱</sup> و تغییر در نگرش به علوم، شکل‌گیری مفهوم پژوهش و همچنین طرح لزوم استفاده از روش پژوهش به‌منظور طی مسیری پیش‌بینی‌شده در رسیدن به نتایج علمی، تاریخ نیز با رویکردی متفاوت از قبل و تکامل‌یافته‌تر از گذشته به روی کار آمد<sup>۲</sup> و در اواخر این قرن، دوران بلوغ خود را سپری نمود.<sup>۳</sup>

با این‌همه، پیشرفت این علم در نیمه دوم قرن بیستم به‌اندازه کل ادوار تاریخ بشر بوده است و این جز از رهگذر کاربست روش‌های صحیح و دقیق تحقیق علمی میسر نشده است.<sup>۴</sup> در این عصر نگاه توصیف‌گرا از بین رفت و نگاه‌هایی ساختاری و هم‌زمانی به وجود آمد که در آن دست به مطالعه یک پدیده بدون دخالت زمان می‌زد. نگاه تاریخی قرن هجدهم و نوزدهم در این دوران از توصیف‌گرایی بیرون آمد و به‌شدت تبیین‌گرا شد. در این قرن، تاریخ بیشتر به دنبال بررسی روابط علی و معلولی است و صرف گزارش از وقوع وقایع تاریخی تنها وظیفه آن معرفی نمی‌گردد.<sup>۵</sup> به‌این‌ترتیب تاریخ در این دوران به‌عنوان یک علم تبیینی مطرح گردید و ابزارهای موجود در آن از سنخ ابزارهایی برای دست یافتن به تبیین روابط علی و معلولی جریانات معرفی گشت. همچنین مباحث علم تاریخ شباهت بسیاری به حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی پیدا کرد. در این دوران تاریخ از دستاوردهای دیگر علوم استفاده شایانی نمود که نمونه بارز آن را در زبان‌شناسی می‌توان دید.

چنانکه مشاهده شد، نگاه کلاسیک به تاریخ در بردارنده نیازهایی بود که مخاطبان گذشته، نسبت به این علم داشتند، اما باگذشت زمان، این انتظارات نیز تغییر یافت. متناسب با این تغییرات، تفاسیر قرآن نیز اگر بخواهند مخاطب خویش را راضی نگه‌دارند، نیازمند به ایجاد تغییراتی اساسی در نوع نگاه خود به تاریخ و هم‌سویی با تاریخ مدرن از حیث بهره‌گیری روش‌های موجود در آن می‌باشند و حال آنکه هنوز نوع نگاه به تاریخ به‌عنوان بیان شرح‌حال است

۱. اثبات‌گرایان.

۲. پاکتچی، نقد متن، ص ۴۷.

۳. ساماران، روش‌های پژوهش در تاریخ، ج ۱، ص ۱۹۵.

۴. نبوی، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۱.

۵. پاکتچی، روش‌شناسی تاریخ، ص ۳۹ - ۳۵.

و اهمیت معرفت بخشی چندانی ندارد. از این رو همان روایات گذشته پیوسته تکرار می‌شود<sup>۱</sup> و تلقی متفاوتی که در باب علم تاریخ و رویکرد سنجیده آن در ورود به مطالعات قرآنی وجود دارد، نادیده گرفته می‌شود.

شناخت ویژگی‌های رویکرد علم تاریخ در مطالعات قرآنی می‌تواند علاوه بر شناخت آسیب‌های این نوع نگرش، موجب گردد که تعاملی صحیح و به دور از تعصب در به‌کارگیری از ظرفیت‌های علم تاریخ در مطالعات قرآنی پدید آید.

عدم ورود جدی در این علم علاوه بر بی‌بهره نمودن مفسران از فواید فراوانی که در حوزه تفسیر می‌تواند داشته باشد، دیر یا زود چالش‌هایی را ایجاد خواهد نمود که در حوزه کلام دینی مشکلات گسترده‌ای را پدید خواهد آورد.<sup>۲</sup>

در یک تقسیم بندی ساده، عمده آسیب‌ها و مشکلات رویکردهای تاریخی موجود در مطالعات تفسیری قرآن را در چند حوزه ذیل می‌توان بررسی نمود:

#### ۱. نگاه روایی به تاریخ

علم تاریخ در حوزه تاریخ‌نگاری به سه نوع روایی، ترکیبی و تحلیلی تقسیم می‌شود.<sup>۳</sup> از میان این اقسام، روش روایی بیشترین رویکردی است که همواره مورد توجه مسلمانان بوده است.<sup>۴</sup> هدف اساسی و مورد تعقیب این شیوه که به طور عام در ثبت و مطالعه تاریخ به کار گرفته می‌شود، صرفاً نقل‌انته و بدون استدلال در علل و پیامد رخدادها است. این شیوه که به طور متداول از سوی قریب به اتفاق وقایع‌نگاران گذشته دنبال می‌شد، از سه ویژگی عمده برخوردار بود؛ اولاً در این نگاه، مورخ، تفقه و سنجش امور را از وظایف خویش نمی‌دانست؛ ثانیاً قضایا به صورت نامرتب اما جذاب تبیین می‌شد؛ ثالثاً از هیچ ضابطه‌ای برای قبول صحت یا نادرستی رویدادها استفاده نمی‌شد.

تاریخ‌نگاری اسلامی نیز در نقطه‌های آغازین خویش، متأثر از این نگاه، تاریخ را به معنای

۱. زین‌العابدینی، تاریخ نگاران و مکتب‌های تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۱۳.

۲. برای نمونه نک اشکالات مطرح شده توسط احمد کسروی در باب ذوالقرنین: کسروی، احمد، در پاسخ به بدخواهان، ص ۲۸ - ۲۷.

۳. سجادی، مدخل «تاریخ‌نگاری» دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، ص ۳۰۵.

۴. برای نمونه نک: طبری، تاریخ الطبری؛ ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ؛ ابن‌عساکر، تاریخ مدینة دمشق، سراسر آثار مذکور.

جستجو، گردآوری و نقل اخبار و احادیث درباره رویدادهای خاص می‌دانست. این اخبار نخست سینه‌به‌سینه نقل می‌شد و صرفاً برای یاری‌رساندن به حافظه بود ولی به‌مرورزمان، نگارش آنها نیز معمول شد. پس از این دوره و در دوران بعد، مورخ می‌کوشید تا صلاحیت راویان اخبار و احادیث را ثابت کند و درباره آنها اطلاعاتی به دست آورد؛ ابزار اصلی او برای این کار علم رجال و فن جرح و تعدیل بود او در آغاز هر خبر سلسله سند یا طریق تاریخی آن را ذکر می‌کرد و اگر خبری از مراجع گوناگون به دست او رسیده بود، روایات مختلف را می‌نوشت و مأخذ هر یک را می‌آورد.<sup>۱</sup> به همین دلیل طبیعت علم تاریخ در آغاز با طبیعت علم حدیث فرقی نداشت جز اینکه در هدف و نوع روایات موردنظر با هم تفاوت داشتند. محدثان به روایاتی می‌پرداختند که مبادی فقهی یا اخلاقی را بیان می‌کرد، درحالی‌که مورخان به بررسی روایاتی همت می‌گماشتند که به بیان حوادث و وقایع نظر داشت. حدیث عبارت بود از درایت و روایت و به همین نحو تاریخ نیز از این دو رکن تشکیل می‌شد.<sup>۲</sup>

رویکردهای علم تاریخ در این دوران مشابه با نگرش‌های موجود در علم حدیث است. به همین خاطر تاریخ در این دوران به‌جای اینکه با تکیه بر اسناد و شواهد به نقل و اثبات قضایای تاریخی بپردازد، با شیوه‌ای حدیثی به روایت‌گری قضایای تاریخی و کیفیت آنها می‌پردازد؛ منشأ چنین امری را باید در آن دانست که تاریخ‌پژوهی در جهان اسلام متأثر از منشأیی دینی است، به همین دلیل تاریخ در اسلام، روش‌های خویش را از علوم اسلامی همانند علوم قرآنی، تفسیر، حدیث، سیره و مغازی اخذ نموده است.<sup>۳</sup>

پس از عصر نزول به تدریج جامعه اسلامی با واقعیت‌های جدیدی همچون فاصله گرفتن از فضای زنده نزول قرآن، گسترش جامعه اسلامی بر اثر فتوحات و پیدایش نیازها و پرسش‌های تازه در رویارویی مسلمانان با اندیشه‌های گوناگون روبه‌رو شد که اهتمام به تفسیر قرآن و نگارش آثار تفسیری را طلب می‌کرد. می‌توان ادعا کرد که در یکی دو قرن نخستین، رویکرد غالب در تفسیر نگاری و تاریخ‌نگاری رویکردی روایی بوده است<sup>۴</sup> به همین خاطر این دو علم پیوندی عمیق باهم می‌یابند و در مسیری مشترک، مفسران و مورخان نخستین در برخورد با مواردی

۱. مهدی، فلسفه تاریخ ابن‌خلدون، ص ۱۷۱ - ۱۷۰.

۲. کاشف، مصادر التاريخ الاسلامی و مناهج البحث فيه، ص ۳۳ - ۳۲.

۳. آئینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۹۶.

۴. اسعدی و همکاران، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، ج ۱، ص ۱۲۴.

چون سوره فیل،<sup>۱</sup> داستان حضرت یوسف،<sup>۲</sup> داستان اصحاب کهف،<sup>۳</sup> سوزاندن ابراهیم خلیل الرحمن عليه السلام در آتش، داستان فرعون و نمرود و همچنین شناسایی احقاف،<sup>۴</sup> به جای آنکه در تحلیل و تفسیر و ارتباط وقایع، ارتباط با واقعیت را مدنظر قرار دهند، بیشتر بر تواتر اسناد تکیه می‌کنند. این در حالی بود که حتی گاه، قرن‌ها فاصله میان روایت کننده حدیث و وقوع حادثه مذکور وجود داشت. مورخان نخستین پیش از ابن‌خلدون تنها روشی که در نگارش تاریخ به کار می‌بردند، تکیه بر اصل تواتر بود یعنی تنها از طریق تحقیق در روایات و اسناد به بررسی سلسله روایان می‌پرداختند تا از این شیوه به صحت خبر و روایت دست یابند. از این‌رو به تاریخ به‌عنوان وقایعی منقول می‌نگریستند که احتیاج به هیچ‌گونه تحلیل و تفسیری نداشت.<sup>۵</sup>

نمونه بارز نگاه روایی به تاریخ و در نتیجه آن پدید آمدن تعارض در اقوال مختلف را به‌خوبی در منقولات مفسران از داستان اصحاب کهف می‌توان مشاهده نمود. تفاسیر قرآن در مواجهه با این داستان صرفاً بر اساس روایاتی که در دست دارند مکان‌های متعددی را به‌عنوان غار اصحاب کهف معرفی می‌نمایند. غار افسوس در ۶۰ کیلومتری از میر ترکیه،<sup>۶</sup> غار موجود در قریه لوشه،<sup>۷</sup> غار رقیم،<sup>۸</sup> غار اصحاب کهف در اندلس<sup>۹</sup> تنها چهار مورد از مکان‌هایی است که مفسران برای این غار مطرح کرده‌اند و حال آنکه در واقعیت، این غار امکان تطابق با همه این موقعیت‌های مختلف را ندارد و صرفاً در صورت اثبات با یکی از آنها قابل انطباق است. طبیعی است که ناظر به این اشکالات تا زمانی که روند روایی، محوریت کار تاریخی را در تفاسیر بر عهده داشته باشد، امکان دستیابی به نظری قطعی در امثال این موارد وجود ندارد.

۱. برای نمونه نک: ابوالفتوح رازی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، ج ۲۰، ص ۴۰۱؛ کاشانی، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، ج ۱۰، ص ۳۳۶.
۲. برای نمونه نک: میبیدی، *کشف الأسرار و عده الأبرار*، ج ۵، ص ۵.
۳. برای مشاهده تعارض در میان روایات نک: ثعلبی، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، ج ۶، ص ۱۶۴؛ قمی، *تفسیر قمی*، ج ۲، ص ۳۱؛ سیوطی، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، ج ۴، ص ۲۱۲ - ۲۱۸.
۴. برای مشاهده تعارض در میان روایات نک: بغوی، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، ج ۴، ص ۱۹۹؛ ثعلبی، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، ج ۹، ص ۱۶؛ سیوطی، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، ج ۶، ص ۴۳.
۵. اسماعیل، *قضایا فی تاریخ الاسلامی*، ص ۱۰۱.
۶. جمعی از مترجمان، *ترجمه تفسیر طبری*، ج ۴، ص ۹۳۹.
۷. قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، ج ۱۰، ص ۳۵۸.
۸. طوسی، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۷، ص ۱۲.
۹. مغنیه، *تفسیر الکاشف*، ج ۵، ص ۱۱۵.



گرایش به تاریخ نقلی در سده‌های نخستین را امری بدیهی می‌توان تلقی نمود، اما ادامه این روش توسط مفسران به‌مرور زمان مشکلات فراوانی را به وجود آورد که از جمله آنها می‌توان به مواردی همچون تعارض و تزامم شدید روایات،<sup>۱</sup> دور از وجوه هدایتی قرآن، ورود موضوعات و اسرائیلیات در متون تفسیری،<sup>۲</sup> ناتوانی در اثبات وقایع مسلم تاریخی در برابر معاندین<sup>۳</sup> و همچنین ناتوانی در رسیدن به قولی ثابت در پاره‌ای از مسائل به دلیل وجود اقوال فراوان و متشتت اشاره کرد. مهم‌ترین دلایل بروز چنین اشکالاتی که در این سنخ از تاریخ‌نگاری وجود داشت را می‌توان در آن دانست که اولاً هر دسته از اخبار درباره واقعه‌ای بدون توجه به پیوستگی آن با وقایع دیگر ذکر می‌شد و به‌تنهایی کامل نمی‌نمود و ثانیاً در همان حیثیت حدیثی اخبار نیز، تعهدی در باب اسناد کامل روایات وجود نداشت و در بسیاری از موارد، روایات به‌طور ناقص ذکر می‌گردید. به همین خاطر نقصان زیادی بر این روش در همان ساحت حدیثی‌اش نیز وجود داشت. از طرف دیگر در تاریخ‌روایی، به دلیل حجم بالای روایات و منقولات تاریخی، موارد فراوانی نیز می‌توان یافت که مورخ بر اساس سلیقه، تطمیع و یا تعهد، به‌گزینش حوادث از لابه‌لای کلیت رویدادهای صورت پذیرفته دست می‌زده است. در چنین موقعیتی او در پردازش وقایع به خطا رفته، به دلیل دنبال نکردن علت امور، به مبالغه در توصیف قضایا و نگارش تواریخ ناصحیح و متملقانه دست می‌زد.<sup>۴</sup>

## ۲. تکیه بر گزارش محوری (مکتوب)

منابع تاریخ به‌طور کلی به دودسته مکتوب و غیر مکتوب تقسیم می‌گردند؛ منابع مکتوب بنا بر اینکه به‌صورت مستقیم به موضوعی تاریخی بپردازند و یا به نحو غیرمستقیم حاوی مسائل مهم در حوزه تاریخ باشند خود به دودسته تقسیم می‌شوند. منابع غیر مکتوب نیز با توجه به ساخت غیر نوشتاری به هر پدیده‌ای اطلاق می‌گردد که از حیث تاریخی اطلاعی را در اختیار ما قرار دهد؛

۱. برای نمونه مقایسه کنید اقوال متعارض گفته شده در باب احقاف (بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۹۹؛ ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۶؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۴۳) و اصحاب کهف. (ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۶۴؛ قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۱؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۲۱۸ - ۲۱۲)

۲. برای نمونه نک: داستان هاروت و ماروت. (طبری، جامع البیان عن تاویل القرآن، ج ۱، ص ۳۵۳؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۹۷؛ میبیدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۱، ص ۲۵۹)

۳. برای نمونه نک ادعای احمد کسروی در زمینه غیر واقعی بودن داستان‌های قرآن؛ کسروی، در پاسخ به بدخواهان، ص ۲۸ - ۲۷.

۴. هروی، روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ، ص ۶۵.

حال چه این پدیده‌ها شامل یادمان‌هایی فیزیکی از قبیل آثار باستانی باشند و چه بر یادمان‌هایی لفظی همچون اشعار و ضرب‌المثل‌ها اطلاق گردند.

در نگرش‌های تاریخی میان محققان قرآنی نوعی متن زدگی وجود دارد.<sup>۱</sup> آنچه امروزه در تفاسیر، مورد اعتنای مفسران و قرآن‌پژوهان قرار می‌گیرد، به‌طور عمده تکیه بر گزارش‌هایی مکتوب است که آن هم با سبکی محدثان در مورد صحت و سقم آن تصمیم‌گیری می‌شود. صحبت از برخی مسائل و داستان‌های قرآنی همچون اصحاب اخدود،<sup>۲</sup> اصحاب فیل،<sup>۳</sup> اصحاب سبت،<sup>۴</sup> اصحاب رس،<sup>۵</sup> قوم عاد<sup>۶</sup> و قوم ثمود<sup>۷</sup> و اثبات آنها اساساً بدون اخذ روشی متناسب با موضوع و یا پژوهش‌های باستان‌شناسانه جواب مطلوب و قابل انطباق با واقع که مورد قبول همگان قرار گیرد را نمی‌تواند ارائه دهد.<sup>۸</sup> باستان‌شناسان با کشف واقعیت‌ها و بازسازی تاریخ، نتایج ارزشمندی برای شناخت گذشته به دست می‌دهند.<sup>۹</sup> قرآن کریم به‌طور فشرده داستان پیامبران (علیهم‌السلام) را آورده و در بسیاری از سوره‌ها اشاراتی به زندگانی پیامبران و امت‌های گذشته و حوادث تاریخی در اسلام می‌نماید.<sup>۱۰</sup>

این اشارات متأثر از روش خاصی که در قصص موجود در قرآن پیش‌گرفته شده است،<sup>۱۱</sup> ورودی به جزئیات ندارد.<sup>۱۲</sup> طبیعی بود که مسلمانان با عطش فراوان، قصد به دست آوردن جزئیات این داستان‌ها را داشته باشند. در این میان آنها ناگزیر از مراجعه به دانشمندان یهودی

۱. اسماعیلی، جستارهایی در تاریخ و تاریخ نگاری، ج ۲، ص ۱۲۱۴.

۲. بروج (۸۵): ۴.

۳. فیل (۱۰۵): ۱.

۴. نساء (۴): ۴۷.

۵. فرقان (۲۵): ۳۸.

۶. هود (۱۱): ۵۰.

۷. هود (۱۱): ۶۱.

۸. عده‌ای از محققان با اتکا بر ظنی بودن شواهد باستان‌شناسی کارکرد این حوزه تاریخی را در مطالعات قرآنی برنمی‌تابند. فارغ از اشکالاتی که بر این ادعا می‌توان وارد نمود، باید گفت این دغدغه در صورتی می‌تواند صحیح به نظر برسد که بقیه شواهد کنار رفته و صرفاً موضوعات از حیث باستان‌شناختی بررسی گردند و حال آنکه حتی در تاریخ نیز چنین انحصاری برای باستان‌شناسی در نظر گرفته نشده است و جایی برای نگرانی در این زمینه وجود ندارد.

۹. اسماعیلی، جستارهایی در تاریخ و تاریخ نگاری، ج ۲، ص ۱۲۳۱.

۱۰. آئینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۹۶.

۱۱. منظور از روش خاص قرآن، در حقیقت اخذ نتایج کلی از داستان‌ها است.

۱۲. دیاری بیدگلی، پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر، ص ۶۴.

مسلمان شده بودند که در این کارها تبحر و تجربه داشتند.<sup>۱</sup> دانشمندان یهودی صدر اسلام تمام آنچه در تورات، افسانه‌وار آمده بود به مسلمانان القا می‌کردند<sup>۲</sup> و آنها هم این واگوییها را به‌عنوان تفسیر و تأویل داستان‌های قرآن روایت می‌کردند. از مجموع این گفتارهای غلط، اسرئیلیات قرآن پدید آمد.<sup>۳</sup>

برخی از این اسرئیلیات کاملاً افسانه‌ای بود و ورود آن در تفاسیر، اشکال‌های فراوانی را پدید آورد. آمیخته شدن این مفاهیم با تفاسیر اصیل قرآنی، بسیاری از محققان را بر آن داشت که سعی در پالایش آنها بنمایند. به همین خاطر مسائل مربوط به تفسیر قصص قرآن نیاز مبرمی به کاوش و تحقیق داشت. باستان‌شناسی به‌عنوان یکی از ابزارهای کارآمد که تکیه‌بر منابع گزارشی صرف نداشت، کمک بسیاری در مورد آثار انبیا، فهم بهتر و بیشتر مطالب قرآنی و پی بردن بیشتر به عظمت انبیا نمود که از زمره آنها می‌توان به اثبات وجود عینی انبیا و آثار ایشان به‌وسیله بازمانده‌های تاریخی ایشان، صحنه گذاشتن بر اعجاز علمی قرآن و بی‌اساسی بسیاری از اوهام پیرامون برخی از انبیا اشاره کرد. ثمره عینی این تحقیقات را می‌توان در باب اثبات وجود قوم عاد در جنوب اردن،<sup>۴</sup> کشف آثار و اثبات حقیقی بودن قوم ثمود<sup>۵</sup> که توسط برخی از دانشمندان اروپا فقدانشان ثابت می‌شد، همچنین ابطال ادعای اغراق‌گونه بلندی قامت حضرت آدم علیه السلام در روایات بنی اسرائیلی با کشف خانه‌هایی از انسان‌های اولیه که اندازه درگاه و سقف آن به‌اندازه انسان‌های امروزی است،<sup>۶</sup> و وجود جسد فرعون زمان موسی علیه السلام که خداوند متعال در قرآن<sup>۷</sup> جسدش را مایه عبرتی برای مردم بیان نمود<sup>۸</sup> همه از جمله کارکردهایی است که از ساحاتی غیر از گزارشگری واتکاء به متن اثبات‌شده‌اند.

### ۳. محدودیت حوزه کاربری

استفاده از تاریخ کلاسیک، طریقه‌ای است محدود در برابر نیاز نامحدود؛ زیرا ما ذیل شش

۱. جلالیان، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ص ۱۱۳.
۲. مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۱، ص ۱۲۳.
۳. مؤدب، روش‌های تفسیر قرآن، ص ۸۹.
۴. بیومی مهران، بررسی تاریخی قصص قرآن، ج ۱، ص ۲۰۷.
۵. همو، بررسی تاریخی قصص قرآن، ج ۱، ص ۲۳۷ - ۲۳۳.
۶. بی‌آزار شیرازی، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، ص ۱۵ - ۸.
۷. یونس (۱۰): ۹۲.
۸. بی‌آزار شیرازی، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، ص ۲۲۹ - ۲۲۶.

هزار و چند صد آیه قرآنی صدها و هزارها سؤالات علمی و غیرعلمی داریم. پاسخ این سؤالات و حل این مشکلات را از کجا باید دریافت نمود؟ آیا به روایات باید مراجعه نمود؟ حال آنکه آنچه نام روایت نبوی می‌شود بر آن گذاشت از طریق اهل سنت و جماعت به دویست و پنجاه حدیث نمی‌رسد. گذشته از اینکه بسیاری از آن‌ها ضعیف و برخی از آن‌ها منکر می‌باشد و اگر روایات اهل بیت علیهم‌السلام را که از طریق شیعه رسیده در نظر آوریم، هرچند به هزاران روایت برسد و در میان آن‌ها مقدار قابل معتنا بهی احادیث قابل اعتماد یافت شود، در هر حال در برابر سؤالات نامحدود کفایت نمی‌کند.<sup>۱</sup>

گذشته از اینکه ذیل بسیاری از آیات قرآنی از طریق عامه و خاصه حدیثی وارد نشده است. گسترش نقل به معنا و تحریف در اثر ممنوعیت نگارش حدیث، گرایش افراطی به سمت روایات تفسیری و در نتیجه، پیدایش سطحی‌نگری و جریان اخباری‌گری در میان شیعه و اهل سنت و دوری از اندیشه‌ی نوگرایی و حرکت در راستای مقتضیات زمان و نیازهای جامعه بشری؛ اعتماد بیش از حد به جوامع حدیثی، بدون پرداختن به نقد و بررسی متون و محتوای روایات<sup>۲</sup> از جمله آسیب‌های دیگری می‌باشد که به دلیل تکیه بر تاریخ‌روایی در تفاسیر قرآن به وجود آمده است. از طرف دیگر رویکرد تاریخ‌نگاری در سنت تفسیری یا صرفاً منوط به روایات تاریخی است و یا منحصر در گزارش‌های تاریخی. در هر کدام از این دو نوع، بازگشت به متن به نحوی غیرقابل انکار دیده می‌شود. چه مفسر از گزارش‌های تاریخی استفاده کند و چه روایات، به هر حال بایستی آنچه را که از متون و ذکر وقایع دیده است ذکر نماید.

در این دو نوع نگرش راهی برای یافتن بخش‌های ناگفته و نانوشته تاریخ وجود ندارد و به دلیل رابطه یک‌سویه‌ای که در این دو گرایش وجود دارد، برای دستیابی به مطلبی افزون بر آنچه در منابع مکتوب گفته شده، راهی نیست و حال آنکه بسیاری از مسائل وجود دارد. که به دلیل بی‌توجهی و یا بی‌انگیزگی مورخ و به‌رغم اهمیتش برای آیندگان ذکر نشده است. در این حالت چگونه می‌توان به این قضایا پی برد و آیا راهی برای دستیابی به این سنخ از اطلاعات وجود ندارد؟ روش تحقیق سنتی برخلاف شیوه‌های علمی نوین برای پاسخ به چنین پرسش‌هایی مبتنی بر دیدی بسته و محدودنگر است لذا اگر در گذشته، تحقیقات تاریخی در محدوده اقتضات زمانی و روانی مورخ قرار می‌گرفت، امروزه مورخ علمی از همه این محدودیت‌ها پرهیز می‌کند.

۱. طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۷۹.

۲. دیباری بیدگلی، پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر، ص ۴۱ - ۴۰.

نگرش تحلیلی و نقادانه بر حوادث و وقایع تاریخی آن هم متکی بر اسناد متقن و متنوع از ضروریات پژوهش‌های علمی محسوب می‌شود. لذا اگر در گذشته بسیاری از مورخان از جرگه ادیبان فرهیخته بودند، امروز این گروه را متخصصان و کارشناسان آشنا به عرصه تحقیق و پژوهش علمی تشکیل می‌دهند.<sup>۱</sup>

گزارش‌ها و روایات تاریخی در حقیقت گستره‌ای محدود از تاریخ را در برمی‌گیرند و توانایی پاسخگویی در مورد آنچه در گزارش‌های تاریخی نیامده است را ندارند و حال آنکه گاه آنچه برای ما ضروری می‌نماید، در گزارش‌ها و روایات تاریخی ممکن است ذکر نگردیده باشد. هرچند همه نمی‌توان این اشکالات را به مورخ برگرداند، اموری همچون انگیزه، تعصب و میزان دقت مورخ و اهمیت داشتن مسائل در دوره‌های مختلف، اثرگذار در نوع گزارش‌هایی می‌باشند که قرار است مورخ از آنها سخن به میان بیاورد. نتیجه تکیه بر گزارش‌های مکتوب و روایات تاریخی این خواهد بود که رویکردها و روش‌های مورخ نیز در نهایت محدود باشد. این در حالی است که امروزه تاریخ با تنوع رویکردها و روش‌هایی که دارد این اختیار را به مورخ می‌دهد که هر نوع اطلاعاتی که می‌خواهد با به‌کارگیری روش متناسب با آن از تاریخ به دست بیاورد. البته نباید اغراق نمود که حتی تاریخ نیز در برخی از موارد ناتوان از بیان و کشف برخی از مسائل می‌باشد.

در حوزه روش‌شناسی تاریخ یک سلسله از علوم به عنوان مطالعات جانبی مطرح هستند. اینها مجموعه فراوانی از علوم کمکی و روش‌های متنوعی می‌باشند که با همپوشانی نواقص یکدیگر، موجب پیدایش نظریه‌ای ثابت در علوم می‌گردند. ضرورت توجه به مطالعات علوم وابسته به تاریخ ایجاب می‌کند تا مورخ تیزنگر به همراه شناسایی پهنه تاریخی از مجاری علوم کمک‌رسان تاریخ همچون ادبیات، جغرافیا، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، سکه‌شناسی، نسب‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و برخی دیگر از دانش‌ها استعانت جوید. امروزه دیگر مورخ هر قدر هم صاحب نظر باشد، نمی‌تواند بدون کمک دیگر علوم، ره به سرمنزل مقصود ببرد.<sup>۲</sup>

برخی از این روش‌هایی که از آن صحبت می‌شود توسط مورخان به صورت موردی و محدود به کار گرفته می‌شود، اما این نوع استفاده‌های محدود کاری از پیش نخواهد برد، بلکه زمانی که از این روش‌ها الگوگیری شده و به صورت وسیع از آنها استفاده شود می‌توان شاهد آن بود که تاریخ به معنای درست کلمه مورد استفاده قرار گرفته شده است. متأسفانه در تفاسیر ما بیش از آنکه به استفاده از تاریخ

۱. هروی، روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۱۵۸.

پرداخته شود و قرآن پژوهان، تتبع در منابع تاریخی و استفاده از ابزار تاریخی برای ایضاح بسیاری از مسائل قرآنی را داشته باشند، توجه به تاریخ به عنوان منبعی برای حل بسیاری از مشکلات معرفی می‌گردد و بیش از آنکه شاهد نقشی عملیاتی در این حوزه باشیم که یک مفسر با رجوع و تتبع در آثار تاریخی به جمع‌بندی در مسئله‌ای خاص برسد، به صورت سفارشی و دستورالعملی، به استفاده از تاریخ برای حل این سنخ از قضایا، امر می‌شود، درحالی که هیچ‌کس نیز خود را موظف به رجوع به تاریخ و استفاده تخصصی از آن برای حل قضایا نمی‌داند. البته این سخن به معنای بی‌توجهی همه مورخان و مفسران مسلمان به علوم کمکی نمی‌باشد، بلکه منظور غلبه چنین رویکردی بر جنبه عمل‌گرایی است و گرنه نمونه‌های بسیاری از روشن‌بینی مورخان مسلمان وجود دارد، به گونه‌ای که برخی از آنها در دورانی که حتی تاریخ به چنین وسعتی نرسیده بود، نوشته‌های میخی را می‌شناختند.

از طرف دیگر سنگ‌نوشته‌ها یا الواح مکتوب باستان موردعنايت مسلمانان بوده و همانان نقل کرده‌اند که الواح گلی، نخستین نوشته‌های موجود بشر است. ازرقی در کتاب اخبار مکه، سنگ‌نوشته‌های موجود در بناهای مکه را به دقت خوانده و از آن در تاریخ خود بهره برده است.<sup>۱</sup> فاسی از دیگر مورخان است که از سنگ‌نوشته‌هایی که بر روی سنگ مرمر و سنگ‌های معمولی حک شده، در نوشته‌اش که درباره تاریخ مکه است سود برده است.<sup>۲</sup> ابن‌شحنه از مورخان بلاد و مدن از کسانی است که در تألیف خود از سنگ‌نوشته‌ها استفاده کرده است.<sup>۳</sup> هیثم بن عدی درباره مهرها و امضاهای خلفاء، رساله‌ای نوشته و نامش را *خواتم الخلف نهاده* است.<sup>۴</sup> مورخان مسلمان اهمیت سکه در تاریخ نگاری را دریافته و در استفاده از آن در تدوین تاریخ تأکید می‌کرده‌اند و اخباری که از حارث بن ابی اسامه و غیر او درباره خلفاء ذکر شده است، عنایت مسلمانان را به استفاده از مسکوکات در تألیفات تاریخی را بازگو می‌کند.<sup>۵</sup>

#### ۴. تمرکز بر عبرت‌گروی

بررسی اهداف تاریخ مدرن و کلاسیک به‌خوبی تفاوت‌های میان این دو تاریخ را می‌تواند مشخص نماید. تاریخ کلاسیک به‌شدت عبرت‌گرا است و وجهه‌های پند و اندرز آن بر ارائه دقیق

۱. برای اطلاع بیشتر نک: ازرقی، *اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار*، ج ۱، سراسر اثر.

۲. برای اطلاعات بیشتر نک: فاسی، *شفاء الغرام باخبار البلد الحرام*، سراسر اثر.

۳. برای اطلاعات بیشتر نک: ابن‌شحنه، *الدر المنتخب فی تاریخ مملکه الحلب*، سراسر اثر.

۴. آئینه‌وند، *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، ج ۱، ص ۱۴۶.

۵. عبدالرحمن خضر، *المسلمون و کتابة التاريخ*، ص ۲۱۵ - ۲۱۴.

زمان و مکان غلبه دارد؛<sup>۱</sup> این در حالی است که تاریخ مدرن به هیچ رو تاریخ را از این دید نمی‌نگرد و به دنبال بیان جزئیات یک ماجرا نیست. از منظر تاریخ مدرن آنچه تاریخ عهده‌دار بیان آن می‌باشد، توجه به وجهه‌های پند انگیز وقایع نمی‌باشد، بلکه هر آنچه واقعیت‌های گذشته را برای مورخ نمودار می‌گرداند تاریخ نامیده می‌شود؛ هرچند که این واقعه، عبرتی را برای مخاطب خود به وجود نیاورد. عبرت‌انگیزی تاریخ مطلبی است که نزد مسلمانان و کشیشان قرون وسطی دارای اهمیت خاصی بوده است.

این موضوع را می‌بایست ریشه در عنایت قابل توجهی دانست که متون مقدس در دوشاخه اسلام<sup>۲</sup> و مسیحیت به موضوع عبرت‌پذیری از تاریخ داشته‌اند. چنین توجهی در حقیقت به دنبال تنبیه مخاطبان است تا از آنچه بر سر گذشتگان آمده است پند گیرند و این‌گونه شامل هدایت الهی شوند و متذکر گردند که اگر ایشان نیز از فرمان‌های الهی تخطی نمایند، به سرگذشتی وخیم دچار خواهند شد. بر اساس این تفکر، مطالعه تاریخ و اطلاع یافتن از آنچه در گذشته روی داده است رسالت انسانی را واضح‌تر کرده و باعث آن می‌گردد تا انسان مسئولیت خود را بهتر بشناسد؛ به همین خاطر از دیرباز این تلقی در جامعه اسلامی وجود داشته است که علم نسب و اخبار، از علوم پادشاهان و بلندپایگان محسوب شده و جز افراد کم‌خرد، تاریخ را واپس نمی‌نهند.<sup>۳</sup>

تاریخ از منظر کلاسیک، ارائه تجربه‌ای بشری برای همه مخاطبان دین است تا آینه‌ای تمام‌نما برای گرایش‌هایشان در دنیا باشد. این نگرش با طریقی خالی از انحراف در قرآن به‌طور ویژه دنبال شده است، اما بیرون از قرآن شاهد روندی متفاوت با شیوه‌ای هستیم که قرآن در تاریخ نگری و عبرت‌انگیزی به تاریخ داشته است؛ وجه این خلط مفهوم و برداشت ناصحیح از مقصود قرآن را می‌توان در اشتباه گرفتن تاریخ با قصه در دوران پس از زمان پیامبر اسلام ﷺ و به‌خصوص در دوران حاکمیت خلفا مشاهده نمود؛ توجه افراطی به عبرت‌گروی در این دوران سبب تشکیل سیل عظیمی از وعاظ به نام قصاص در قلمرو خلافت اسلامی گردید؛ ایشان قصه‌گویی بودند که جنبه‌های عبرت‌دهی‌شان غلبه بر واقع‌گویی داشت، به همین خاطر حجم وسیعی از داستان‌های دروغین را به متون دینی وارد نمودند<sup>۴</sup> و بدین نحو مسیری انحرافی در

۱. برای نمونه نک: کافیتی، *المختصر فی علم التاریخ*، ص ۷۸ - ۷۷

۲. برای نمونه نک: آل‌عمران (۳): ۱۳۷؛ نحل (۱۶): ۳۶؛ نمل (۲۷): ۶۹؛ عنکبوت (۲۹): ۲۰؛ روم (۳۰): ۴۲.

۳. حموی، *معجم الادبای و ارشاد الاریب الی معرفة الادیب*، ج ۱، ص ۵۸.

۴. ابن جوزی، *القصاص و المذکورین*، ص ۳۵۷ - ۳۴۳.

فهم اصلی وقایع تاریخی را پدید آوردند. از آنجایی هم که جنبه گزارشگری عصر کلاسیک بر وجه تحلیلی آن غلبه داشت راه‌حلی نیز برای تفکیک صحیح از سقیم پدید نیامد. عبرت‌گروی مفسران به تاریخ مخصوصاً باگذشت زمان و پیدایش سبک واعظانه در تفاسیر وسعت بیشتری پیدا نمود تا جایی که در برخی از مواقع صرفاً بانگیزه پند و اندرز و نشان دادن قدرت و عظمت خداوند متعال، داستان‌هایی ذکر می‌گردید که راست یا دروغ بودن آن مشخص نیست. در این قبیل تفاسیر، فضای مطرح‌شده در باب قضایای تاریخی، متکی بر اعتقاد به قدرت مطلق خداوند است؛ به همین سبب عمده پرداخت‌ها، ترکیبی از واقعیات و مسلمات دینی با شالوده‌ای از افسانه‌ها می‌باشد.

این سبک نگارش در حقیقت چیزی شبیه به شیوه رئالیسم جادویی است؛ زیرا وقایع از آن رو که غالباً از رسول خدا ﷺ یا سایر انبیای الهی و ائمه دین نقل می‌شود، واقعی و رئالیستی می‌نماید، اما از سوی دیگر ناظر به اینکه روایات ذکر شده، وقوعشان دور از ذهن و محال عقل می‌نماید پذیرفتنشان به‌عنوان وقایع مسلم و قطعی منتفی است. به همین خاطر ممکن است همانند برخی از قصه‌های مثنوی مولوی یا حکایت‌های گلستان و بوستان سعدی و بیشتر کتب عرفانی و تعلیمی زاینده ذهن گویندگان و مفسرانی باشد که آن را حتی برای مقاصد خیرخواهانه به کار گرفته‌اند. برای مثال در ذکر داستان کودکی حضرت ابراهیم علیه السلام در تفسیر کشف‌الاسرار، بدون اینکه ناظر به روایتی صحیح پیرامون کودکی این پیامبر بزرگ الهی باشد، به‌صرف اتکا بر قول مفسران زوائدی افسانه‌آمیز در این باره ذکر شده است.

در داستانی که مفسر ذکر کرده است یک سری از مسلمات تاریخی وجود دارد که مبتنی بر آن، ابراهیم علیه السلام به سبب بیمی که بر جانش می‌رفت، توسط والدین به محلی دور از خانه انتقال می‌یابد. لکن در ادامه داستان، پا از این وقایع مسلم فراتر گذاشته می‌شود و با درنگ در اینکه ابراهیم علیه السلام به‌واسطه جایگاه الهی می‌بایست از وضعیت متفاوت و شگفتی نسبت به سایر بندگان برخوردار باشد، مسائلی به داستان وارد می‌شود که در قطعیت آنها تردید وجود دارد؛ برای نمونه میبیدی از قول مفسران متذکر گشته که هرگاه مادر ابراهیم علیه السلام به غاری که فرزندش را در آن مخفی نگه‌داشته بود می‌رفت، وی را که نوزادی تازه متولد شده بود در حالی می‌دید که از تک‌تک انگشتانش منتعم به نعماتی چون شیر، آب، عسل، روغن گاو و خرما بوده و بدین نحو نیازهای خود را برطرف می‌نموده است.<sup>۱</sup>

طبیعتاً چنانکه مشاهده شد، صرف وجود قصه‌ای در تفاسیر قرآن؛ موجب الزام پذیرش و تسلیم در برابر آنها نیست و نباید چنین پنداشت که هرچه بطالانش اثبات نشده باشد، حقانیتش به ثبت

۱. میبیدی، کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار، ج ۳، ص ۴۰۴.



رسیده است و اساساً به همین دلایل امروزه علاوه بر نیاز به پالایش اطلاعات موجود در تفاسیر، نیاز فراوانی به اثبات عینی وقایع تاریخی موجود در قرآن وجود دارد؛ زیرا ما نمی‌خواهیم با نگاهی بدبینانه به وقایع تاریخی موجود در تفاسیر بنگریم، بلکه به دنبال ایجاد فضایی مطابق با دانش روز در این حوزه می‌باشیم. چنین رویکردی به معنای بی‌توجهی و گریز از وجوه عبرت‌آمیز تاریخ نیست بلکه به معنای رفع نیازهای اساسی مسلمانان در این حوزه می‌باشد که طبیعتاً با همراهی روش‌های موجود در تاریخ مدرن قابل‌دستیابی است.

### نتیجه

به‌رغم ظرفیت‌های فراوانی که در علم تاریخ وجود دارد متأسفانه استفاده‌ای بهینه از این علم در تفاسیر قرآن نمی‌شود. آنچه از تاریخ در رویکردهای تفسیری دیده می‌شود تفاوتی بنیادین با نیازهای مخاطب امروز دارد که منشأ آن برخاسته از افق متفاوتی است که مخاطب امروز از نگاه به علم تاریخ انتظار دارد. تعارض این دیدگاه‌ها زمانی خود را نشان می‌دهد که هنگام رجوع مخاطب به تفاسیر با نوعی نگاه مواجه می‌شود که در آن همه چیز مشخص و واضح نیست و زمان و مکان و بیان جزئیات یک مسئله با تعارضات بسیاری روبه‌رو می‌باشد؛ و حال آنکه مگر چند نوع روایت متفاوت از اتفاق واحد می‌توان در نظر گرفت که تا بدین حد دارای تشبث آراء باشد؟ ذات ایجاد چنین اشکالی را نیز می‌بایست در نوع نگاه رایج مسلمانان به تاریخ دنبال کرد. روایی و نقلی بودن، گزارش محوری، محدودیت حوزه کاربری، و پیگیری تاریخ به معنای کلاسیک، اساسی‌ترین اشکالاتی می‌باشد که باعث وجود نوعی ناهمگونی در حوزه تفسیر قرآن و تاریخ گردیده است.

با نگاهی درست و تکمیلی به حوزه تاریخ و استفاده از شئون مفید و قابل‌استفاده از این علم — چه در نوع مدرن آن و چه در نوع کلاسیک‌اش — می‌توان الگویی را به دست آورد که در آن علاوه بر پوشش اوامر قرآن، شاهد پویایی علم تاریخ در حوزه تفسیر قرآن نیز باشیم. این‌گونه علاوه بر اینکه دچار یک‌سویه‌نگری در تلقی صحیح خود از تاریخ نشده‌ایم، در حقیقت تحولی بنیادین را نیز در نوع تحقیقات تفسیری پیرامون موضوعات تاریخی به وجود آورده‌ایم تا به جای درگیری‌های بی‌مورد و بدون اعتبار درزمینه راست‌سنجی روایات، فرایندی را ایجاد کنیم که به‌طور عینی بتواند کمک‌رسان ما درزمینه تبیین موضوعات تاریخی و شناخت معتبر مواردی باشد که در آنها اختلاف وجود داشته است. ناگفته پیداست که پس از آسیب‌شناسی، باید راه طولانی را در شناخت و رسیدن به الگویی نظام‌مند در این حوزه دنبال نمود.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آژند، یعقوب، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۱.
۳. آئینه‌وند، صادق، *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
۴. آئینه‌وند، صادق، *علم تاریخ در اسلام*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی اداره کل انتشارات و تبلیغات، ۱۳۶۴.
۵. ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، به کوشش تورنبرگ، بیروت، دار صادر للطباعة والنشر - دار بیروت للطباعة والنشر، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *القصاص و المذکرین*، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۷. ابن شحنه، *الدر المنتخب فی تاریخ مملکه الحلب*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۸. ابن عساکر، هبة الله عبدالله شافعی، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، دارالبشیر، بی‌تا.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. ابو شهبه، محمد بن محمد، *السرائلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر*، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۳ ق.
۱۱. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناص مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۱۲. ابوریه، محمود، *اضواء علی السنه المحمدیه*، قم، نشرالبطحاء، بی‌تا.
۱۳. ازرقی، محمد بن عبدالله، *اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار*، به کوشش رشیدی صالح ملحس، بیروت، دار الاندلس، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. اسعدی، محمد و همکاران، *آسیب شناسی جریان‌های تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۱۵. اسماعیل، کاشف، *مصادر التاریخ الاسلامی و مناهج البحث فیها*، بیروت، دارالرائد العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. اسماعیل، محمود، *قضایا فی التاریخ الاسلامی*، بیروت دارالعودة، ۱۹۷۴ م.
۱۷. اسماعیلی، حبیب الله، قادری، منیر، *جستارهایی در تاریخ و تاریخ‌نگاری*، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۹.

۱۸. امینی، عبدالحسین، *الغدیر فی الكتاب و السنة و الأدب*، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ ق.
۱۹. بروکلیمان، کارل، *تاریخ الادب العربی*، قم، دارالکتب الاسلامی، بی‌تا.
۲۰. بغوی، حسین بن مسعود، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۱. بلاشر، رژی، *درآستانه قرآن*، ترجمه محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۲۲. بی‌آزار شیرازی، عبد‌الکریم، *باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۳. بیومی مهران، محمد، *بررسی تاریخی قصص قرآن*، مترجم سید محمد راستگو، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۲۴. پاکتچی، احمد، *روش‌شناسی تاریخ*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۲.
۲۵. \_\_\_\_\_، «آزمونی بر خوانش تاریخی روایات قصص: مطالعه موردی داستان اصحاب کهف»، *صحیفه مبین*، ۱۳۹۰.
۲۶. \_\_\_\_\_، *نقد متن*، تهران، انجمن علمی - دانشجویی هیات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۸.
۲۷. \_\_\_\_\_، نمونه‌ای از افزایش وضوح در روند تاریخی تفسیر، *صحیفه مبین*، ۱۳۸۶.
۲۸. تستری، محمد تقی، *الاحبار الدخیله*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۶۵.
۲۹. ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۳۰. \_\_\_\_\_، *عرائس المجالس*، بیروت، بی‌نا، ۱۴۰۱ ق.
۳۱. جعفریان، رسول، *قصه خوانان در تاریخ اسلام و ایران*، قم، انتشارات رثوف، ۱۳۷۰.
۳۲. جلالیان، حبیب‌الله، *تاریخ تفسیر قرآن کریم (جلالیان)*، تهران، اسوه، ۱۳۷۸.
۳۳. جمعی از مترجمان، *ترجمه تفسیر طبری*، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۶.
۳۴. خزائلی، محمد، *اعلام القرآن*، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۵.
۳۵. دیاری بیدگلی، محمد تقی، *پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر*، تهران، سهروردی، ۱۳۸۳.
۳۶. ذهبی، محمد حسین، *الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث*، دمشق، دارالایمان، ۱۴۰۵ ق.
۳۷. \_\_\_\_\_، *التفسیر و المفسرون*، بیروت، داراحیا التراث العربی، بی‌تا.

۳۸. زین العابدینی، رمضان، *تاریخ نگاران و مکتب‌های تاریخ نگاری در اسلام*، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۸۸.
۳۹. ساماران، شارل، *روش‌های پژوهش در تاریخ*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹.
۴۰. سجادی، صادق، *مدخل «تاریخ نگاری» دایره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۴۱. سخینبی، عصام، *اسرائیلیات*، ترجمه محمد علی لسانی فشارکی، تهران، کتاب توت، ۱۳۹۰.
۴۲. سیوطی، عبدالرحمن، *الدر المثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۴۳. صائب، عبدالحمید، *علم التاریخ و مناهج المورخین*، بیروت، مرکز الغدیر، ۱۴۲۹ ق.
۴۴. طباطبایی، محمدحسین، *قرآن در اسلام*، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن (مجمع البیان لعلوم القرآن)*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۴۶. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *جامع البیان عن تاویل ای القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۴۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵.
۴۸. طوسی، محمدبن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۴۹. عاملی، جعفر مرتضی، *الصحيح من سیره النبی الأعظم*، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۶ ق.
۵۰. عبدالرحمن خضر، عبدالعلیم، *المسلمون و کتابه التاریخ*، هیرندن، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۵۱. علی، جواد، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت، دارالعلم الملایین، بغداد، مکتبه النهضه، ۱۹۸۷ م.
۵۲. فاسی المکی المالکی، تقی الدین محمد بن احمد بن علی، *شفاء الغرام باخبار البلد الحرام*، مکه مکرمه، مکتبه النهضه الحدیثه، بی تا.
۵۳. قرطبی، محمدبن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۵۴. قطب الدین راوندی، س عید بن هبه الله، *قصص الانبیا*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۵۵. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم، دار الکتاب، ۱۳۶۷.
۵۶. کاشانی، ملا فتح الله، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶.

۵۷. کافيجی، محیی‌الدین، *المختصر فی علم التاريخ*، بیروت، عالم‌الکتب، ۱۴۱۰ ق.
۵۸. کسروی، احمد، *در پاسخ بدخواهان*، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۴.
۵۹. گلاب‌بخش، سعید و همکاران، «نقش تاریخ در تفسیر قرآن کریم با تأکید بر عصر جاهلی»، *مجله آموزه‌های قرآنی*، شماره ۱۵، ۱۳۹۱.
۶۰. \_\_\_\_\_، «نقش تاریخ صدر اسلام در تفسیر قرآن کریم»، *مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث*، شماره یکم، ۱۳۹۱.
۶۱. گل‌زیهر، اجنتنس، *مذاهب التفسیر الاسلامی*، ترجمه عبدالحلیم نجار، مصر، مکتبه النانجی، بغداد مکتبه المثنی، ۱۳۷۴.
۶۲. محمد قاسمی، حمید، *اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان‌های انبیا در تفاسیر قرآن*، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
۶۳. مغنیه، محمدجواد، *تفسیر الکاشف*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
۶۴. ملائی توانی، علیرضا، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.
۶۵. مهدی، محسن، *فلسفه تاریخ ابن‌خلدون*، ترجمه مجید مسعودی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.
۶۶. مؤدب، سید رضا، *روش‌های تفسیر قرآن*، قم، اشراق، ۱۳۸۰.
۶۷. میدی، رشیدالدین احمد بن ابی‌سعد، *کشف الأسرار و عده الأبرار*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱.
۶۸. نبوی، بهروز، *مقدمه‌ای به روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، کتابخانه فروردین، ۱۳۷۴.
۶۹. نکونام، جعفر، «تفسیر تاریخی قرآن کریم»، *مجله پژوهش‌های دینی*، شماره ۱۹، ۱۳۸۸.
۷۰. \_\_\_\_\_، «تفسیر تاریخی مرج‌البحرین»، *فصلنامه پژوهشی کتاب‌قیم*، شماره ۲، ۱۳۹۰.
۷۱. نوزری، حسینعلی، *فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹.
۷۲. وصفی، محمد رضا، *نو معتزلیان*، تهران، نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی نگاه معاصر)، ۱۳۸۷.
۷۳. هروی، جواد، *روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ*، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۶.
۷۴. یاقوت حموی، شهاب‌الدین، *معجم‌الادباء و ارشاد الاریب الی معرفة الادیب*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی